



آیین دادرسی افتراقی در جرائم زیست محیطی

فاطمه مهرابی

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد واحد دماوند

چکیده

بی تردید حفاظت از محیط زیست به عنوان مبرم ترین نیاز بشری برای دستیابی به کیفیت زندگی بهتر و تحقق اهداف توسعه پایدار در قرن بیست و یکم انکارناپذیر تلقی می شود که در عین حال با چالش های عدیده ای نیز روبه رو می باشد، چراکه انسان کنونی علیرغم درک نسبتاً قابل قبول از مفهوم محیط زیست، هنوز بر مدار توسعه بی رویه و ترجیح منافع کوتاه مدت فردی بر منافع بلندمدت زندگی می کند. هدف این تحقیق، بررسی آیین دادرسی افتراقی در جرائم زیست محیطی در حقوق ایران می باشد. روش این تحقیق توصیفی - تحلیلی و شیوه گردآوری اطلاعات اسنادی - کتابخانه ای می باشد. نتایج این پژوهش نشان داد حرمت آلوده کردن هوا، آب، خاک و از بین بردن گونه های مختلف گیاهی و جانوری نتیجه ای است که از بررسی متون روایی حاصل می گردد. خصیصه های بزهکاران جرائم سبز و حمایت از بزه دیدگان سبز نیز از بنیان های جرم شناسانه افتراقی سازی رسیدگی ها در این حوزه است. بزه دیده سبز که همان طبیعت و سپس انسان ها هستند، اقتضای آن را دارند که اجازه ندهند مجرمانی که دست به اقدام تروریستی علیه محیط زیست می زنند و یا نوعی سازمان یافتگی در درون آن ها مشاهده می شود، به راحتی از چنگال قانون فرار کنند. افتراقی سازی با پیش بینی ضابطین تخصصی و متعدد و دادسراها و دادگاه های تخصصی در خصوص جرائم زیست محیطی و دادسراها و دادگاه های اختصاصی برای تروریسم زیست محیطی، این مهم را امری دست یافتنی می نماید. در حال در نظام حقوقی ما، جلوه های از افتراقی سازی در خصوص رسیدگی به جرائم سبز در قالب دادرسی تخصصی جرائم زیست محیطی مشاهده می شود اما از جهت اینکه هنوز هم تروریسم زیست محیطی در نظام حقوقی ما به صورت مستقل جرم انگاری نشده تا دادرسی آن نیز اختصاصی شود و مقررات ویژه ای را به خود بگیرد، در نظام تقنینی ما، ضعف جدی مشاهده می شود. با توجه به ادله ی شرعی مزبور هر گونه تخریب محیط زیست، اعم از: اتلاف، افساد و اسراف منابع حیاتی محیط زیست مانند آب، هوا، خاک، جنگل و مرتع و ذخایر انرژی متعلق نهی شرعی حرمت بوده و علاوه بر آن از باب تزییع حقوق سایرین موجب ضمان نیز می باشد و این نهی از ادله فقهی زیادی همچون آیات قرآن، روایت ها، قاعده اتلاف، قاعده لاضرر، دلیل عقلی، سیره عقلا و ... به دست آمده و انسان مکلف به حفظ محیط زیست و تأمین سلامت آن است.

واژگان کلیدی: آیین دادرسی، افتراقی، جرائم، زیست محیطی، قاعده اتلاف، قاعده لاضرر، دلیل عقلی.

مقدمه

نگاه به محیط اطراف در طراحی صنعتی و زندگی انسان ها کمی متفاوت بوده و نیازمند دقت بسیار است. در طراحی های صنعتی معمولاً محیط پیرامونی به فضایی اطلاق می شود که با ورود انرژی یا مواد نامطلوب به آن در شرایط کیفی آن تغییری حاصل نمی شود. به این معنی که گاز یا مواد را می توان در آب های آزاد ترقیق نمود و یا حرارت را به آن ها دفع کرد ولی در مفهوم زندگی انسان های محیط اطراف ما جایی است که در آن به سر برده و سلامت کیفی آب و هوا، دما و نور و صوت و استانداردهای بیولوژیکی آن برای فرد اهمیت دارد. در عمل و طول زمان هیچ محیط پیرامونی کاملی وجود ندارد و با ورود گرما، سرما و مواد آلاینده محیط دچار تغییراتی خواهد شد. با افزایش تدریجی آلودگی، کاهش کیفیت محیط زیست به بروز تأثیراتی که می تواند چه در عرصه منطقه پیرامونی و چه در مقیاس



جهانی انسان‌ها را بامعضلات بسیار مواجه کرده است. در ابعاد منطقه پیرامونی، فرایندهای مختلف صنعتی می‌تواند به آلودگی خاک، آب و هوا انجامیده و سلامت ساکنین را چه به لحاظ طول عمر و چه به لحاظ کیفیت زیستی تحت تأثیر قرار دهد و در ابعاد منطقه‌ای و جهانی نیز تأثیراتی چون اثر گلخانه‌ای، افزایش دما، افزایش سطح آب اقیانوس‌ها به قدری جدی است که می‌تواند زندگی بخش بزرگی از ساکنین جهان را تحت تأثیر قرار دهد.

دادرسی افتراقی از اصطلاحاتی می‌باشد که در علم حقوق دارای جایگاه خاصی بوده و به جهت محدود بودن گستره فعالیت، صلاحیت و افراد تحت الشمول خود به نسبت دادرسی عمومی کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ فلسفه وجودی و چرایی تشکیل و سازماندهی محکمه ای اختصاصی جهت رسیدگی به جرایم محیط زیست ممکن است ذهن هر حقوقدان و غیرحقوقدانی را به خود مشغول داشته و این سؤال را با خود مطرح نماید که دلایل و علل ایجاد تفکیک و انشقاق بین جرائم زیست محیطی با سایر جرائم در نحوه و شکل رسیدگی به جرایم گاهاً یکسان چیست و چرا یک مجرم نسبت به محیط زیست به هنگام ارتکاب جرم می‌بایست در محاکمی اختصاصی و جدای از سایر افراد بر مسند پاسخگویی بنشیند و در برابر اتهامات وارده از خود دفاع نموده و در صورت احراز جرم و محکومیت به شیوه و روشی متفاوت از سایر افراد عادی مجازات شده و در صورت لزوم مدت زمان حبس خود را در زندانهایی سوای از سایر زندانیان عادی بگذراند!

بررسی جلوه‌ها و کیفیت به کارگیری دادرسی افتراقی در قبال جرایم زیست محیطی می‌تواند نقطه ضعف و قوت سیاست جنایی تقنینی ایران را در دادرسی جرایم زیست محیطی را آشکار نماید و این الگو را در اختیار مقنن قرار دهد که در راستای کشف گسترده تر جرایم زیست محیطی و مقابله موثر با مجرمین آن از جلوه‌های دادرسی افتراقی استقبال نماید.

مبانی افتراقی شدن دادرسی جرائم زیست محیطی

امروزه، مشاهده می‌کنیم که حقوق کیفری چه در بعد ماهوی و چه در بعد شکلی آن از کارکردهای سنتی خویش فاصله گرفته است و رفتارهایی را جرم انگاری می‌کند که بیشتر جنبه فنی و تخصصی دارند و شاخه‌هایی مثل حقوق کیفری اقتصادی، حقوق کیفری محیط زیست و... نشان از فنی شدن حقوق کیفری دارد. از نقطه نظر منتسکیو نیز حکومت قوانین مناسب باعث پیشگیری از جرائم محیط زیست می‌شود وی در فصل سیزدهم کتاب روح القوانين تحت عنوان «نتایج آب وهوای نامناسب» بیان نموده که «در کشوری که آلودگی آب وهوا، روح و جسم را متأثر می‌کند بایستی قوانین مناسب حکومت بکنند». باری، یکی از حوزه‌هایی که بایستی افتراقی سازی آیین دادرسی کیفری در قلمرو آن تجلی پیدا کند، جرائم زیست محیطی است؛ چراکه لزوم حمایت کیفری همه جانبه از محیط زیست که یکی از بایسته‌های حمایت کیفری از محیط زیست است، افتراقی سازی در این حوزه را بیش از پیش لازم و ضروری می‌نماید. از مهم ترین بایسته‌های حقوق محیط زیست، پایه ریزی حقوق و آیین دادرسی خاصی است که ضامن مدیریت جمعی بر میراث محیط زیست باشد^۲

در واقع می‌توان گفت، یکی از بایسته‌های اصلی حقوق کیفری محیط زیست، حمایتی درخور توجه و شایسته از محیط زیست است، چراکه حقوق محیط زیست به تعبیر حقوقدانان، حقوقی خنثی نیست و تعهد به نتیجه در آن مستتر است. از این رو یکی از مواردی که

۱ عطارنیا، حامد و گلدوست جویباری، رجب و اردبیلی، محمد علی (۱۳۹۶)، تحلیل و نقد افتراقی بودن دادرسی نظامی، فصلنامه علمی تحقیقاتی حقوق تطبیقی ایران و بین الملل، ص ۶



می توان از محیط زیست حمایت نمود، افتراقی سازی دادرسی کیفری سبز است. در تحقیق پیش رو منظور ما از جرائم سبز، جرائمی هستند که علیه محیط زیست ارتکاب می یابند و خود به دو دسته "جرائم زیست محیطی" و "تروریسم زیست محیطی" تقسیم بندی می شوند. علت تفکیک این دو مفهوم در این است که نحوه پاسخ دهی و رسیدگی به این جرائم متفاوت است و اصولاً از لحاظ قصد مجرمانه نیز تفاوت های مهمی دارند. یکی از بایسته های حقوق کیفری محیط زیست عبارت است حمایت کیفری همه جانبه از محیط زیست. یکی از جلوه های حمایت کیفری همه جانبه از محیط زیست، ارائه تفکیکی مناسب درباره جرم زیست محیطی از تروریسم زیست محیطی است. جرائم سبز، از مهم ترین جرائمی هستند که ناقض حق بنیادین بشری، حق بر محیط زیست سالم است که امروزه با پیشرفت علوم و فنون تکنولوژی، شاهد فنی و تخصصی و گسترده شدن جرائم در این حوزه هستیم، فلذا سیستم عدالت کیفری در مقام حمایت از این حق بنیادین بشری، بایستی پاسخی درخور توجه و مناسب در قبال این دسته از جرائم فنی و تخصصی بدهد. شاید در زمان های دور در مرحله رسیدگی به جرائم، شاهد یکپارچگی سیستم عدالت کیفری بودیم و همین یکپارچگی در آن زمان سیستمی مناسب، تلقی می شد؛ اما امروزه با فنی و تخصصی شدن برخی از جرائم، عدالت کیفری ایجاب می کند تا آن یکپارچگی در موارد ضروری برچیده شود و در قبال جرائم فنی و تخصصی، پاسخ ها و تشکیلات سیستم عدالت کیفری نیز فنی و تخصصی شود.^۱ از آنجایی که برای هر تصمیم حقوقی و به جا در سیستم عدالت کیفری، وجود مبانی لازم و ضروری است و همین مبانی، توجیه گر افتراقی سازی در حوزه رسیدگی و برخورد افتراقی است، فلذا ما ابتدا مبانی فقهی را تبیین نموده و سپس به بررسی و تحلیل مبانی حقوقی و جرم شناختی رسیدگی های افتراقی به این دسته از جرائم، می پردازیم.

مبانی فقهی دادرسی افتراقی به جرائم زیست محیطی

حفظ و نگهداری محیط زیست، همواره از دغدغه های مهم و اصلی پیامبران و ائمه معصومین (ع) بوده است و در سفارش های این بزرگواران، احادیث مختلفی راجع به حفظ محیط زیست دیده می شود. در نگاه فقها نیز، ضرورت حفاظت از محیط زیست مورد تأکید همیشگی بوده است. در نظام حقوقی ایران نیز از آنجایی که بر فقه متکی است و غنی سازی هر نوشته ای در نظام حقوقی ما مدیون فقه اسلامی است، فلذا ما در این قسمت با یاری گرفتن از قواعد فقهی موجود و تطبیق آن با موضوع بحث این تحقیق، لزوم برخورد و رسیدگی های افتراقی سبز را با این دسته از جرائم فنی و تخصصی، مورد تحلیل و مطالعه قرار می دهیم. البته لازم به ذکر است که در هیچ قاعده فقهی به صورت مستقل، لزوم رسیدگی افتراقی به جرائم فنی مورد تحلیل و کنکاش قرار نگرفته و ما در قواعد فقهی با توجه به مفاد آن قاعده، ضرورت رسیدگی های افتراقی را مورد تحلیل و بررسی و تطبیق قرار می دهیم. به نظر می رسد مبانی فقهی که لزوم دادرسی افتراقی سبز را می توان از آن استنباط نمود، بر دو دسته "قاعده فقهی لاضرر" و "قاعده رجوع هر امری به خبره و متخصص" است که به صورت جداگانه، مورد تحلیل و بررسی قرار می دهیم.

بند اول: قاعده لاضرر

قاعده لاضرر یکی از قواعد فقهی، حقوقی و اخلاقی است که در سرتاسر فقه بدان استناد می شود و در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی کارساز است. اهمیت این قاعده به اندازه ای است که بسیاری از متفکران اسلامی آن را راز و رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت ها و توسعه فرهنگی می دانند. قاعده لاضرر از آن رو که اختصاص به ابواب معینی از فقه ندارد یک قاعده فقهی عام است؛ یعنی فرمولی بسیار کلی که منشأ استنباط در موارد مختلف قرار می گیرد. اهمیت این قاعده به اندازه ای است که برخی از آن به عنوان رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت ها و توسعه فرهنگ یاد کرده اند و آن را از قواعد حاکمی دانسته اند که بر سرتاسر فقه حکومت دارد و کار



آن کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. شاید به همین دلیل بوده است که گفته شده که اگر فقه دایرمدار پنج قاعده باشد یکی از آن ها قاعده لاضرر است و دلیلی بر محصور نمودن این قاعده به باب معاملات و عبادات وجود ندارد و در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی نیز می تواند کارساز باشد.^۱

بند دوم: قاعده رجوع به خبره

تحول و پیشرفت علوم و فنون در تمام زمینه‌ها موجب شده که بتوان از ارجاع به کارشناس و خبره سخن گفت. کارشناس که یکی از مصادیق بارز اهل خبره است در پرونده های قضایی مورد ارجاع قرار می گیرد؛ اما بایستی این نکته را مدنظر داشت که قاعده رجوع به خبره، قاعده عامی است و تنها برای اثبات حجیت کارشناسی به کار نمی رود بلکه در حقوق اسلام، نظر اهل خبره به طور وسیع مورد توجه قرار گرفته و در ابواب مختلف فقه به نظر اهل خبره استناد شده و مصادیق متعددی از موضوعات تخصصی که در آن ها رجوع به اهل خبره ضرورت دارد، مطرح شده است و مهمترین دلیل اعتبار نظر اهل خبره، سیره عقلا بر رجوع به اهل خبره است. قاعده رجوع به اهل خبره را نمی توان منحصر به کارشناسی دانست، از همین رو بسیاری از فقها این قاعده را قاعده ای عام دانسته و در جهت مشروعیت امر تقلید نیز از این قاعده عام، استفاده بنای عقلا در هر امری، نموده اند.^۲

در جرائم زیست محیطی لزوم برخورد افتراقی با این دسته از مجرمان که گاه به شکل سازمان یافته و شاید با اهداف اقتصادی (جرم زیست محیطی) و گاه باهدف اخلال شدید در نظم عمومی (تروریسم زیست محیطی) مرتکب جرم می شوند، احساس می شود. امروزه قاضی رسیدگی کننده بایستی علاوه بر معلومات حقوقی آموزش دیده باشد. منظور از آموزش تخصصی به قاضی این است که به این باور برسد که در خصوص جرمی که رسیدگی می کند اماره مجرمیت جاری سازد و مبادا در اثر آموزش ندیدن، اصرار به جاری ساختن اصل برائت در خصوص متهم داشته باشد و بداند که متهمی که در مقابل او نشسته است مرتکب جرمی فی المثل، سازمان یافته شده است و در اینجا اماره مجرمیت را جاری ساخته و به باوری افتراقی رسیده و به بایسته های حقوق محیط زیست اشراف و تسلط کافی داشته باشد.

مبانی حقوقی دادرسی افتراقی جرائم زیست محیطی

بند اول: تضمین حق بر محیط زیست سالم

محیط زیست در پرتو کارکردهای اجتماعی آن، بستر لازم و ضروری برای حیات جمعی است، به گونه ای که وجود و بقای بشر، بسته به وجود و بقای آن است. در واقع بدون داشتن محیط زیست سالم، حقوق بنیادین انسان اعم از حقوق مدنی و سیاسی یا حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظیر حق حیات، بهداشت، آموزش و... امکان استیفا نخواهد داشت. یکی از بایسته های اولیه برقراری رژیم کیفری در هر نظام حقوقی، شناسایی، تدوین و ایجاد نظام سلسله مراتبی در میان ارزش های حقوقی جوامع است. با برقراری نظام سلسله مراتبی و تقسیم ارزش ها به ارزش های فرادست و فرودست است که شکل گیری یک نظام کیفری با حمایت از ارزش های فرادست ضرورت یافته و توجیه می شود. یکی از ارزش های بنیادین، حق بر محیط زیست سالم است. حق بر محیط زیست سالم همانند سایر حقوق مدنی و سیاسی برای توسعه پایدار حائز اهمیت است و این موضوع در دهه های اخیر مورد پذیرش قرار گرفته است. امروزه حق بر محیط زیست سالم در حقوق داخلی در قالب قوانین اساسی، آرای دادگاه ها و رویه های اداری شناسایی و تضمین شده است. در کشور ما در اصول مختلف قانون اساسی از جمله اصل ۵۰ قانون اساسی این حق به رسمیت شناخته شده است. در واقع در اینجا می توان از

۱ آریا پارسا، ۱۳۹۳: ۷۶

۲ حسن زاده، ۱۳۸۹، ص ۳۶



اساسی سازی حق بر محیط زیست سالم سخن گفت. اساسی سازی عموماً به فرآیند تغییر و تحولی اطلاق شده است که به سبب رخنه و نفوذ هنجارهای اساسی در گرایش‌های مختلف علم حقوق (از جمله حقوق محیط زیست) و در نتیجه آمیختن مجموعه نظم حقوقی به این هنجارها به وجود می‌آید.^۱

سازمان ملل متحد به عنوان یکی از کنشگران عرصه بین الملل، با صدور قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعدد، ضرورت حفاظت از محیط زیست، جلوگیری از وقوع این جرائم و برخورد با مجرمین آن، تأکید ورزیده است که نشان دهنده دغدغه جهانی در این زمینه است. در بسیاری از قوانین اساسی نیز، بر حق محیط زیست سالم و جلوگیری از فعالیت‌های مغایر با این حق، تأکید شده است. به موجب اصل ۵۰ قانون اساسی ایران در جمهوری اسلامی "حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشد وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است."^۲

یکی از حقوق بنیادین بشری که در قالب نسل سوم حقوق بشر جای می‌گیرد، حق بر محیط زیست سالم است. به وجود آمدن نسل سوم حق‌ها نیز مولود نیازهای جدید بشری و اقتضائات دنیای مدرن است، مانند موضوع تخریب محیط زیست. مهم‌ترین حقوق نسل سوم، "حقوق همبستگی" شامل حق توسعه، حق صلح، حق برخورداری از محیط زیست سالم و... است. کشورهای مختلف با اصلاح یا تصویب قوانین اساسی جدید، حق بر محیط زیست سالم را به گونه‌ای صریح یا ضمنی مورد شناسایی قرار دادند. این نخستین بارقه‌های ملی سازی حق بر محیط زیست و تحکیم آن در حقوق ملی بود. در سطح داخلی، تقریباً تعداد بالغ بر ۱۱۰ کشور، برخی از موازین را در قوانین اساسی خود گنجانده‌اند که دولت‌ها را متعهد به تضمین محیط زیست سالم برای شهروندان می‌نماید.

بند دوم: پایه‌های تقنینی

قانون اساسی ایران، حاوی اصولی است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به حفاظت از محیط زیست مربوط می‌شود یا برای حفاظت از آن قابل استفاده و استناد است. اصل ۵۰ قانون، حفاظت محیط زیست که اساسی مقرر می‌دارد «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است».

در اصول دیگری از قانون اساسی، حقوق اساسی آحاد ملت تضمین و سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تحقق و تأمین آن حقوق، وظیفه حکومت دانسته شده است. مفاد این اصول چرخه‌ای به وجود آورده است که از سویی پیش‌نیاز تحقق بسیاری از حقوق یادشده هستند و از سوی دیگر اعمال صحیح آن سیاست‌ها به حفظ محیط زیست می‌انجامد. تضمین حفاظت از محیط زیست در چارچوب تشکیلات و ترتیباتی ویژه‌ای امکان‌پذیر است که از آن تحت عنوان افتراقی شدن یاد می‌شود. حمایت و حفاظت از محیط زیست در حال حاضر به عنوان یکی از دغدغه‌های نظام‌های حقوقی محسوب می‌شود، به گونه‌ای که توسعه نیز به عنوان یکی از اهداف اصلی هر کشور، باید در چارچوبی قانونمند صورت گیرد.^۳

از این رو در نظام حقوقی ما نیز، قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور به تصویب رسیده است. در مواد مختلف این قانون که مشتمل بر ۷۳ ماده و ۱۰۰ تبصره است و در دهم بهمن ماه سال ۱۳۹۵ به تصویب رسیده است، به مناسبت مقررات مختلفی در جهت

۱ تقی زاده انصاری، ۱۳۹۵، ص ۲۰

۲ آرای پارسا، ۱۳۹۳، ص ۷۸

۳ علم خانی، ۱۳۹۳، ص ۸۹



حمایت و حفاظت از محیط زیست صورت پذیرفته است. به عنوان مثال در ماده ۲۹ این قانون، مقررات خاصی جهت بهره برداری از جنگل ها مطرح شده است و ضمانت اجرای درخور توجهی نیز در نظر گرفته شده است تا اشخاص سودجو به بهانه توسعه کشور نتوانند جنگل ها را که منابع حیاتی کره زمین و بخشی از نظام تنوع زیستی هستند، در معرض نابودی و کاهش جبران ناپذیری قرار دهند. حفاظت از جنگل ها در جهت حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار در اسناد بین المللی متعددی نیز مطرح شده است و این امر به عنوان دغدغه ای بین المللی است. البته ریشه توجه به بحث توسعه پایدار که باعث توجه سیاستمداران کیفری شده است، تکنولوژی های دوستدار محیط زیست است. منظور از تکنولوژی های دوستدار محیط زیست، درواقع آن دسته از تکنولوژی هایی هستند که می توان کمک مؤثری بر کاهش اثرات توسعه بر محیط زیست داشته باشند^۱

ویژگی های افتراقی بودن دادرسی جرائم زیست محیطی

حقوق دانان سیاست کیفری افتراقی را در مقابل سیاست کیفری عام به کار می برند. سیاست کیفری عام، مجموعه تدابیر مشابهی است که در یک نظام حقوق کیفری در قبال همه جرایم و مجازات ها اعمال می شود. سیاست کیفری افتراقی در حقیقت استثنایی بر این تدابیر یکسان محسوب می گردد. ایجاد و برگزیدن تدابیر متمایزی نسبت به نظام مجازات ها از قبیل تعیین انواع مجازات ها اعم از اصلی، تکمیلی و تبعی، نحوه تعیین و اجرای مجازات ها، تخفیف مجازات ها و معافیت از آنها، تعویق صدور احکام، تعلیق اجرای مجازات ها، نظام های نیمه آزادی و آزادی مشروط، مجازات های جایگزین حبس، اقدامات تأمینی و تربیتی، سقوط مجازات ها و نسبت به نظام جرایم از قبیل شروع به جرم، شرکت در جرم، معاونت در جرم، سردستگی گروه مجرمانه سازمان یافته، تعدد جرم و تکرار جرم و همچنین نسبت به مسؤولیت کیفری و ادله اثبات، در خصوص دسته ای از جرایم مساوی با اتخاذ سیاست کیفری افتراقی در قبال آن دسته از جرایم است. اگر چه در سیاست های کیفری عام نسبت به همه جرایم جنبه های پیشگیرانه نسبت به جرم، بازدارنده نسبت به مجرم، جبران خسارت بزه دیده، سخت گیرانه نسبت به شرایط به منظور عدم ارتکاب جرم و واکنش سرکوبگرانه جامعه نسبت به مجازات مجرم وجود دارد، اما در سیاست کیفری افتراقی این جنبه ها و ویژگی ها قدری پررنگ تر است که توضیح آن در زیر می آید^۲

۱- پیشگیرانه بودن

سیاست پیشگیرانه بخشی از سیاست کیفری کشورها در مقابله با جرایم است. در واقع سیاست پیشگیرانه در برابر سیاست سرکوبگرانه قرار دارد که اولی به تدابیر پیش از وقوع جرم و دومی به ضمانت جرایم پس از آن می اندیشد^۳. بنابراین اگر تدابیر پیشگیرانه درست اتخاذ و به درستی اجرا گردد، جرمی محقق نخواهد شد تا نوبت به تدابیر دسته دوم که ناظر به مجازات ها می باشد، برسد. البته پیشگیری، مفهومی وسیع تر از حقوق کیفری دارد و موضوعات غیر کیفری را نیز در بر می برد. در مقابل استفاده از مجازات جهت پیشگیری از وقوع جرم که از آن به پیشگیری کیفری تعبیر می گردد، توجه به این واقعیت که جرم توسط یک عامل انسانی و متأثر از عوامل مختلف ارتکاب می یابد و پیش از فعل ارتكابی جرم (باید به فاعل) محرم توجه نمود، سبب شد برای پیشگیری از وقوع جرم اقدامات دیگری غیر از مجازات وارد قلمرو حقوق کیفری شود که به مراحل قبل از وقوع جرم نظر داشته و تلاش می کند تا ضمن از بین بردن عوامل جرم زاء، انسانی تربیت نماید که خود ارتکاب اعمال مجرمانه را قبیح دانسته و از انجام آن سر باز زند. این نوع پیشگیری،

۱ بهرامی و علم خانی، ۱۳۹۲، ص ۱۹

۲ پاک نیت، ۱۳۹۶: ۷۶

۳ نورزاد، ۱۳۸۹: ۲۹۵



پیشگیری غیر کیفری نامیده می شود.^۱ بنابراین سیاست های پیشگیرانه دامنه بسیار گسترده ای دارد و هر چیزی که در راستای مبارزه با جرم به کار گرفته می شود را شامل می گردد. به سخن دیگر هر اقدامی در جهت کاهش میزان جرم در جامعه، یک تدبیر پیشگیرانه است. تعریف سیاست های پیشگیرانه اعم از کیفری و غیر کیفری، نحوه اجرا و توسعه تدابیر آن، از کشوری به کشور دیگر فرق می کنند.^۲

۲- بازدارنده بودن

همان طور که بیان گردید، پیشگیری بیشتر ناظر به جرم است و جنبه بازدارنده بودن ناظر به مجازات ها است. اساسا بازدارندگی مجرم از ارتکاب مجدد جرم، یکی از اصلی ترین اهداف وضع کیفر در همه کشورها می باشد. بنابر این سیاست کیفری بازدارنده، مجموعه تدابیری است که به عدم ارتکاب مجدد بزه از سوی بزهکار منجر می شود. بازدارنده وصف مجازات ها نیز می باشد، یعنی مجازات ها باید به گونه ای وضع و سامان یابد که بازدارندگی مجرم از بزه را به دنبال داشته باشد. مجازات های بازدارنده در ماده ۱۷ قانون مجازات اسلامی این چنین تعریف شده بود: «مجازات های بازدارنده، تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می گردد، از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آنها».^۳

۳- جبران خسارت کردن

یکی از مهم ترین مسائلی که در پی وقوع جرم مطرح می شود، جبران خسارتی است که از رهگذر وقوع جرم بر بزه دیده وارد شده است. قاعده و اصل اولی آن است که بزهکار مسئول جبران خسارت بزه دیده است، اما در عمل، عوامل متعددی از قبیل شناخته نشدن بزهکار، فقدان کفایت ادله اثبات جرم، فرار، کشته شدن یا خودکشی بزهکار، عدم کفایت درآمد بزهکار، طولانی بودن زمان رسیدگی و مهلت دار بودن پرداخت^۴ باعث می شود که خسارت بزه دیده توسط بزهکار جبران نشده باقی بماند. انتظار معقول از نظام کیفری این است که اگر نمی تواند از وقوع جرم پیشگیری کند، لاقلاً تا آنجا که می تواند خسارت وارده به بزه دیدگان را جبران کرده و از آنها حمایت کند^۵

بنابراین جنبه جبران خسارت، بخشی از سیاست کیفری حمایتی از زیان دیده جرم را در بر می گیرد. بزه دیده جرم در نگاه اول، شخص واحدی است که از ارتکاب بزه از سوی بزهکار، متضرر گردیده است. اما برخی از حقوق دانان دامنه بزه دیدگی را توسعه داده اند و قائل هستند، این کل جامعه است که از ناحیه بزهکار منحل ضرر و زیان می شود.^۱ در این نگاه، اعمال مجازات می تواند به مثابه واکنش اجتماعی در جهت تشفی خاطر فرد فرد جامعه که زیان دیده جرم محسوب می شوند، تلقی گردد.

۴- سخت گیرانه بودن

سیاست سخت گیرانه با امنیت مدار یکی دیگر از جنبه های سیاست کیفری است، این مجموعه تدابیر بیشتر ناظر به تنظیم شرایطی است که مجرم به خود اجازه ندهد تا مرتکب جرم شود. در واقع مجرم به مثابه فرد مسئله گری است که میان سود و زیان عمل ارتكابی،

۱ سمعی زنوز، ۱۳۹۲: ۱۶۴.

۲ ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۲

۳ علم خانی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۴

۴ عاجی ده آبادی، ۱۳۹۰، ۱۹۹

۵ فلاحي، ۱۳۸۹: ۱



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

۲۹۸۰-۷۷۸۶ ISSN

دست به انتخاب می زند، از این منظر هر چه سیاست کیفری در قبال مجرمان سخت گیرانه تر باشد، جرم کمتری در جامعه ارتکاب می یابد، زیرا تدابیر سخت گیرانه که متوجه آنان بعد از تحقق جرم خواهد شد، مانع از ارتکاب رفتار مجرمانه می شود. سیاست کیفری سخت گیرانه یا امنیت مدار، به عنوان گزینشی معقول و برخی مناسب به نرخ فزاینده جرم، ناامنی گسترده اجتماعی و به ویژه احساس ناامنی فراگیر، مورد توجه قرار گرفت و در بسیاری از کشورها با استقبال قابل توجهی رو به رو شد.^۲

یکی از سخت گیرانه ترین راهبردهای این جنبه سیاست کیفری، راهبرد "تسامح صفر" است. تسامح صفر، راهبردی است که به موجب آن متولیان سیاست گذاری کیفری در جهت تأمین امنیت و مبارزه با جرایم و مجرمان، رهیافت های سخت گیرانه ای را تدوین کرده و به اجرا در می آورند. تدوین قوانین کیفری سخت گیرانه همراه با ضمانت اجراهای سنگین، عدم مسامحه قضایی، برخوردهای شدید و سرکوبگر پلیس، تمرکز بر کیفر و به حاشیه راندن جنبه های دیگر سیاست جنایی در برابر جرم و بزهکاری و توسل و تمسک به انتظارات و مطالبات عمومی (عوام گرایی) از ویژگی های بارز "تسامح صفر" است.^۳ در سیاست کیفری نظام جمهوری اسلامی ایران راهبرد تسامح صفره را می توان در طرح موسوم به ارتقای امنیت اجتماعی مشاهده نمود.

۵- سرکوبگرانه بودن

همان طور که در بند اول بیان گردید، سیاست کیفری سرکوبگرانه ناظر به مرحله پس از ارتکاب جرم توسط مجرم است و نظام مجازات ها را در بر می گیرد. قدیمی ترین سیاست کیفری دولت ها در قبال جرم، سیاست کیفری سرکوبگرانه است، چرا که اولین نظریه پردازان حوزه سیاست جنایی، متمرکز این جنبه از سیاست جنایی شده اند. فوئرباخ آلمانی در تعریف سیاست جنایی می گوید: مجموعه شیوه های سرکوبگرانه ای است که دولت با توسل به آنها علیه جرم واکنش نشان می دهد.^۴ جنبه سرکوبگرانه سیاست کیفری معمولاً نسبت به جرایم مهم، خشن، خطرناک و پدیده که موجبات ناامنی فراوانی را برای دولت و مردم فراهم می آورد، ظهور و بروز پیدا می کند. به بیان دیگر، ناتوانی نظام عدالت کیفری در مهار پدیده مجرمانه، احساس ناامنی فزاینده ای را در میان شهروندان قانون مدار رقم زده و دیوار بی اعتمادی بلندی را میان جامعه و حکومت، به وجود آورده است. بر همین اساس، تقاضای مردم برای رجعت به مجازات های شدید و سرکوبگر فزونی یافته است.^۵

۶- دادرسی تخصصی داشتن

یکی دیگر از جنبه های سیاست کیفری موفق که ناظر به حوزه حقوق شکلی است، دادرسی تخصصی است. برای فهم دقیق تر مفهوم دادرسی تخصصی، لازم می آید توضیح مختصر در خصوص دادگاه های اختصاصی و تخصصی بیان گردد. مطابق آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، مراجع اختصاصی آن است که به هیچ امری حق رسیدگی ندارند، غیر از آن چه قانون صراحتاً اجازه داده است. بنابر این دادگاهی را می توان یک مرجع اختصاصی دانست که در قانون و صراحتاً صلاحیت رسیدگی به دعوی برای مقرر شده باشد، یعنی مقنن به صورت ویژه با تصویب قانونی بخشی از صلاحیت عام محاکم عمومی دادگستری را که قانوناً صلاحیت رسیدگی به تمام دعاوی و تظلمات حقوقی را دارند، به مرجع اختصاصی می دهد تا محکمه اختصاصی تنها دادگاه صالح به رسیدگی به امور اختصاص

۱ نجفی ابرند آبادی، ۱۳۵۰: ۱۴۴

۲ غلامی، ۱۳۸۴: ۹۵

۳ خداپخش، ۱۳۹۱: ۱

۴ نجفی ابرند آبادی، ۱۳۷۵: ۹

۵ آقایی نیا، ۱۳۹۰ الف: ۸



یافته باشد و در عین حال محکمه اختصاصی به هیچ امر دیگری جز آن چه قانون در صلاحیتش قرار داده است حق رسیدگی ندارد. اما در حقوق شکلی ایران وقتی سخن از محکمه با صلاحیت تخصصی به میان می آید، در واقع بحث از شعبه ای از دادگاه های عمومی است که بر اساس تقسیم کار و به موجب تخصص، به نوعی خاص از دعاوی یا جرائم رسیدگی می نماید. با این وجود نباید تصور نمود که تخصصی کردن شعب فقط در دادگاه های عمومی و انقلاب انجام می شود، بلکه در حقوق ایران شعب محاکم اختصاصی را نیز می توان بر اساس تخصص و تجربه و برای بهتر انجام شدن امور به شعب تخصصی تقسیم نمود^۱. بنابر این جنبه دادرسی تخصصی سیاست کیفری به معنای اتخاذ تدابیری در راستای رسیدگی قضات متخصص و عالم به جوانب مختلف حوزه موضوعی رسیدگی می باشد. از این رهگذر، سایر جنبه های سیاست کیفری که در بالا به آن اشاره گردید، به منصفه ظهور و عمل خواهد رسید.

قانون گذاری ماهوی افتراقی در قبال جرائم زیست محیطی

اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها ایجاب می کنند، سیاست های کیفری در قبال موضوعات مختلف از جمله جرائم زیست محیطی در قالب قانون گذاری اعمال گردد. قانون گذاری خود به دو حوزه کلی تقسیم می شود: حوزه ماهوی و حوزه شکلی. قانون گذاری ماهوی به معنای وضع قوانین پیرامون جرم، مجرم و مجازات است. قانون گذاری ماهوی در صورتی مصحح، موفق و کارآمد خواهد بود که قانونگذار به ماهیت رفتار مجرمانه، شرایط و اوضاع و احوال وقوع جرم، حوزه ارتکاب جرم، ویژگی های جرم و مجرم، بزه دیده جرم و آثار به جا مانده از جرم نظر داشته باشد. قانون گذاری عاقری در قبال جرائم زیست محیطی نیز از این قاعده مستثنی، نیست. به نظر می رسد قانون گذار جمهوری اسلامی ایران تا حد زیادی به تفاوت ها و تمایزهای نوع جرم و مجرم زیست محیطی و آثار این جرایم با سایر جرائم و مجرمان، التفات داشته است؛ از این رو قانون گذار، قواعد متمایزی را نسبت به اعمال مجازات در حوزه جرائم زیست محیطی وضع نموده است. بر این اساس، می توان ادعا نمود که نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران در راستای قانون گذاری ماهوی افتراقی در قبال جرائم زیست محیطی، تلاش هایی نموده و گام هایی برداشته است. البته این تلاش ها و گام ها چندان اثربخش نبوده است، زیرا قانون گذار ماهیت جرم زیست محیطی را مشخص نکرده و با عدم ارائه ضابطه تعریف این جرم، ابهام موجود در این عبارت را بر طرف نموده است.

۱- جرم انگاری

اولین تدبیر قانون گذار از مجموعه تدابیر مربوط به حقوق کیفری ماهوی، جرم انگاری است. جرم انگاری فرآیندی گزینشی است که به موجب آن قانون گذار با لحاظ هنجارهای اجتماعی یا ضرورت های دیگر بر پایه مبانی نظری مورد قبول خود رفتاری را ممنوع یا الزامی می کند و برای حمایت از دستور خود ضمانت اجرای کیفری تعیین می کنند^۲. جرم انگاری مهم ترین وسیله مبارزه با اعمال سرزنش پذیر با مخاطره است. جرم انگاری نه تنها با پشتوانه قدرت همراه است، به طور تبعی به کیفرانگاری نیز اشاره دارد و از این رو آن چه در جرم انگاری مطرح است، صرف پیش بینی عمل ممنوعه نیست، زیرا در این حالت تنها در نقش اعلامیه یا متن اخلاقی ظهور دارد، بلکه اعتبار جرم انگاری به کیفر یا کیفرهایی است که در برابر رفتارهای سرزنش پذیر نهاده شده است. با این حال کیفر، توان بازشناسی رفتارهای جرم پنداشته شده و سیاست های نهفته در ورای آن را ندارد، ضمن این که آن چه باید در جامعه به عنوان یک عمل ناپسند جلوه نماید، جرم است نه کیفر آن، از این رو اهمیت جرم انگاری در درجه نخست قرار می گیرد. جرم انگاری تنها دستاویزی است که پای حقوق کیفری را در مبارزه با ناهنجاری ها و رفتارهای غیر قابل تحمل به میان می کشد، جرم انگاری در

۱ گلدوست جویباری، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۹

۲ محمودی چانکی، ۱۳۷۶: ۱۷.



حوزه جرائم زیست محیطی که از جمله ابزارهای کیفی پیشگیری از بزهکاری زیست محیطی در دنیا می باشد، فرآیندی است که از رهگذر آن دولت رفتاری را ممنوع کرده و به آن خصیصه کیفی می دهد و با توسل به کیفر میخواید آن رفتار را سرکوب کند^۱

ضوابط جرم‌انگاری در حوزه جرائم زیست محیطی

جرم انگاری در هر حوزه ای اقتضائات خاص خود را دارد که قانونگذار می بایست آنها را رعایت کند. جرم انگاری باید به گونه ای باشد که اولاً از منفعت و ارزش مورد توجه جامعه، ثانیاً از موضوع جرم و ثالثاً از بزه دیدگان جرم حمایت کند. جرم انگاری در حوزه جرائم زیست محیطی نیز از این قاعده مستثنی نیست. قانون گذار جمهوری اسلامی ایران اگر چه در خصوص جرائم زیست محیطی، تعریفی ضابطه مند ارائه نکرده است، اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قوانین و مقررات پراکنده مصادیق جرائم زیست محیطی بیان گردیده است.

در ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در باب محیط زیست، مجازات های مورد اشاره برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته شده اند. این مجازات ها که اعم از "نابودگر شخص حقوقی، مجازات های اخلاکر در فعالیت شخص حقوقی و مجازات های سالب حیثیت شخص حقوقی" هستند. فلذا تا حدودی در این خصوص پیشرفت حاصل شده است. بنابراین اگر در حال حاضر یک شخص حقوقی مرتکب جرائم زیست محیطی شود، دادگاهها می توانند با استناد به این ماده مجازات های مندرج در ماده (۲۰) را اعمال کنند. در عین حال اگر در قانون خاصی صرفاً برای رفتار مجرمانه منتسب به شخص حقوقی، جزای نقدی در نظر گرفته شده باشد، به جهت خاص بودن آن قانون و اینکه قانون عام مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نمی تواند ناسخ آن باشد، کماکان دادگاه ها مکلف به صدور حکم به جزای نقدی (نه مجازات های مندرج در ماده (۲۰)) هستند. مضافاً که ضرورت اتخاذ سیاست کیفری یکسان، منسجم و قابل اجرا در مورد مجازات های زیست محیطی، اقتضای بازنگری در همه مجازات های وضع شده چه در مورد اشخاص حقیقی و چه در مورد اشخاص حقوقی را دارد.

۱- اصل ضرر

اصل ضرر، مهم ترین اصل در جرم انگاری موضوعات گوناگون حقوق کیفری است. مطابق این اصل، رفتارهای انسان ها تا زمانی که منجر به ضرر رساندن به دیگران نباشد، نباید جرم انگاری شده و برای آن کیفر در نظر گرفته شود. وفق این اصل، دولت ها اجازه ندارند مردم را بر خلاف اراده شان به انجام یا عدم انجام کاری وادار سازند. دولت ها تنها در صورتی که احتمال برود اشخاص در رسیدن به منافع شخصی خویش، حقوق و آزادی دیگران را نقض و محدود می سازند، حق دخالت دارند. بنابر این دولت ها صرفاً در جایی می توانند دست به جرم انگاری بزنند که ضرری را که متوجه دیگران است، کاهش داده یا به کلی رفع کنند. با این او صاف، مراد از اصل ضرر این است که تنها موردی که جامعه و دولت حق مداخله در امور زندگی و آزادی دیگران را دارد و می تواند در مورد دیگران اجبار و زور به کار برد، زمانی است که با آن مداخله بخواهد جلوی آسیب و ضرر به دیگران را بگیرد. اصل ضرر به ما می گوید، تنها وقتی حق داریم در مورد دیگران اجبار به کار ببریم که بتوان نشان داد و ثابت کرد عمل فردی که می خواهیم از آن جلوگیری کنیم آسیب و صدمه ای به کسی خواهد رسانید. با توجه به اصل ضرر، دخالت حقوق کیفری تنها هنگامی پذیرفتنی و مشروع است که مقصود از مداخله، جلوگیری از آسیب و ضرر به دیگران باشد^۲.

۱ تولی زاده، ۱۳۹۲: ۲۱۳

۲ ساداتی، ۱۳۹۳، ص ۱۸



۲- اصل نظم

یکی دیگر از اصولی که می توان بر مبنای آن جرم انگاری نمود، اصل نظم است. بر این مبنا هر موضوعی که موجب اخلال در نظم عمومی گردد، داخل در دایره جرم انگاری خواهد بود. البته نباید از نظر دور داشت که اصل نظم، جدای از اصل ضرر نیست، زیرا هر موضوعی که مخل نظم عمومی است، در واقع به مثابه ضرری به کل جامعه است. بنابراین نیازی نیست برای جرم انگاری از اصل ضرر فاصله گرفت، بلکه می توان با تغییر دیدگاه نسبت به ضرر، آن را به ضررهای معنوی که به نوعی مخل نظم عمومی اند، توسعه داد. با این اوصاف، جرم انگاری فرآیندی است که به موجب آن، قانون گذار یا هر نهاد مقدر دولتی با در نظر گرفتن هنجارهای اساسی اجتماع و تکیه بر مبانی نظری قابل قبول، با توسل به کیفر، برخی از رفتارهای مخل نظم اجتماعی را شناسایی و ممنوع می کند و بدین سان، آزادی آدمیان را تحدید می نماید^۱. از این منظر جرائم زیست محیطی، هر مقوله ای است که به محیط زیست آسیب می - رساند و سبب واکنش دولت به آن می گردد. دولت در مفهوم عام خود برای حفاظت از محیط زیست ملزم به تدوین قوانین و مقرراتی است که همه ملزم به رعایت آن هستند^۲.

انواع جبران در دعاوی محیط زیست

مهمترین و اصلی ترین اثر مسئولیت مدنی الزام به جبران خسارت زیان دیده است. بنابراین شخصی که از نظر قانونی در مقابل دیگران مسئولیت مدنی دارد ملزم است ضررهای مادی و معنوی که به واسطه فعل یا ترک فعل وی به زیان دیده وارد شده است را جبران کند. در ماده یک قانون مسئولیت مدنی و اصل ۱۷۱ قانون اساسی به هر دو نوع ضرر (مادی و معنوی) و لزوم جبران آن تصریح شده است. ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی نیز مقرر می دارد « در موردی که عمل وارد کننده زیان موجب خسارت مادی یا معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می نماید»^۳. در مورد شیوه های جبران خسارت قانون مسئولیت مدنی شیوه خاصی را معین نکرده است و تنها ذیل ماده ۳ مقرر شده است که دادگاه میزان و طریقه آن را با توجه به اوضاع و احوال باید تعیین کند. در ادامه چند شیوه معمول بیان می شود.

۱- دستور موقت

طبق ماده ۳۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مقرر می دارد: در صورتی که شاکی ضمن طرح شکایت خود یا پس از آن مدعی شود که اجرای اقدامات و یا تصمیمات یا آراء قطعی یا خودداری از انجام وظیفه توسط اشخاص و مراجع مذکور در ماده (۱۰) این قانون سبب ورود خسارتی می گردد که جبران آن غیر ممکن یا متعسر است، می تواند تقاضای صدور دستور موقت نماید. پس از طرح شکایت اصلی، درخواست صدور دستور موقت باید تا قبل از ختم رسیدگی به دیوان ارائه شود. این درخواست مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نیست. همچنین ماده ۳۷ مقرر می دارد: شعبه دیوان موظف است در صورت صدور دستور موقت، نسبت به اصل دعوی خارج از نوبت رسیدگی و رای مقتضی صادر نماید. بنابراین اگر عامل ایجاد زیان، دولت یا سازمان حفاظت محیط زیست نیز (در صورتی که داخل تعریف دولت قرار بگیرد) باشد نیز می توان علیه اقدام سازمان یا دولت دستور موقت صادر کرد.

۱ نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۰: ۹۰

۲ ساداتی، ۱۳۹۳: ۱۸

۳ امامی، استواری سنگری، ۱۳۹۰، ۳۶۵



۲- برگرداندن وضع به ماسبق

برگرداندن وضع به صورت پیشین بدین معنی است که ضرر وارد شده چنان تدارک شود که گویی از اصل، زیان وارد نیامده است^۱، ماده ۳۲۹ قانون مدنی در این باره مقرر می‌دارد: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت بر آید. بند ۸ ماده ۲ کنوانسیون لوگانو تدابیر اعاده وضعیت را به عنوان هر گونه تدابیر متعارف و معقول با هدف اعاده یا باز گرداندن اجزای صدمه دیده یا تخریب شده محیط زیست یا (در صورت معقول بودن) ایجاد معادل اجزای مذکور محیط زیست تعریف می‌کند^۲.

به موجب رای شعبه مدنی دیوان عالی کشور فرانسه، مشخصه مسئولیت مدنی عبارت است از "برقراری مجدد و اصلاح دقیق به نحوی که بتوان تعادل و موقعیت از کف رفته زیان دیده را با جای دادن وی و با هزینه مسئول در وضعیتی که اگر فعل زیانبار رخ نداده بود قربانی در آن موقعیت یافت می‌گردید، ایجاد گردد"^۳. اعاده وضع به حالت سابق می‌تواند از طریق «ترمیم»، «احیاء» و «پاکسازی» و اقداماتی از این قبیل صورت گیرد. در زمینه آلودگی هوا برای مثال پاک کردن ساختمان های آلوده به دود یا دوده یا ترمیم ساختمان هایی که در اثر آلودگی های مستقیم جوی آسیب دیده اند یا کاشتن درخت جدید به جای درختان خشکیده و احیاء سازه هایی که در اثر حوادث آلودگی آسیب دیده اند، از مصادیق این روش هستند. اما در برخی موارد نظیر خسارات وارده بر رشد گیاهان، خسارات وارده بر سلامتی اشخاص مانند بیماری های صعب العلاج تنفسی و غیره امکان توسل به این روش بعید است^۴.

۳- جبران خسارت از راه پرداخت معادل

بدین معنی که چون اعاده وضع به صورت پیشین امکان ندارد ارزش معادل آنچه از دست رفته به دارایی زیان دیده افزوده شود^۵. نکته ای که باید به آن اشاره کرد این است که این روش ها در عرض یکدیگر نیستند تا عامل ورود زیان بتواند به میل خویش یکی را برگزیند یا زیان دیده در انتخاب راهی که بیشتر می‌پسندد آزاد باشد. خلاصه اینکه اول باید خسارت بطور کامل جبران شود یعنی وضع زیان دیده به حالت پیشین خود برگردد و اگر این کار میسر نبود از شیوه دوم یعنی دادن معادل یا تبدیل به پول استفاده شود البته طبق ماده ۳ قانون مسئولیت مدنی دادگاه می‌تواند تا جایی که قانون اجازه داده میزان و کیفیت آن را تعیین کند.

۴- الزام به پرداخت ضرر و زیان

ماده ۱۰ قانون حفاظت دریا و رودخانه های مرزی از آلودگی نفتی مقرر می‌دارد: «کشتی های مشمول این قانون ملزم خواهند بود که در حین ورود به دریای ساحلی ایران در مقابل خسارات احتمالی ناشی از آلوده کردن دریا بیمه شده باشند. کشتی هایی که بیمه نشده باشند باید حامل تعهد نامه مالی جهت جبران خسارت باشند.... بند (د) ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مقرر میدارد: «به منظور فراهم نمودن امکانات و تجهیزات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی ناشی از صنایع آلوده کننده، کارخانه ها و کارگاه ها و موظفند یک در هزار از فروش تولیدات خود را با تشخیص و تحت نظر سازمان

۱ کاتوزیان، ۱۳۹۱، ص ۵۳۴

۲ بهرامی احمدی و علم خانی، ۱۳۹۲، ۹۲

۳ قسمتی تبریزی، ۱۳۸۳، ۲۲

۴ مشهدی، ۱۳۹۰، ۶۳

۵ کاتوزیان، ۱۳۹۱، ۵۳۲



حفاظت محیط زیست صرف کنترل آلودگی ها و جبران زیان ناشی از آلودگی ها و ایجاد فضای سبز نماینده همچنین تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون جلوگیری از آلودگی هوا مقرر می دارد: صاحبان و مسئولان اینگونه کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالح می باشند. طبق این مواد که نمونه هایی در قوانین ما مشهود است، حقوق داخلی ایران تخریب کنندگان محیط زیست را به پرداخت ضرر و زیان ناشی از خسارات زیست محیطی ملزم کرده است .

ساز و کارهای تأمین جبران خسارت

۱- ایجاد مسئولیت تضامنی

ایجاد مسئولیت تضامنی بین کسانی که در اتلاف یا غصب مالی دخالت داشته اند یکی از تضمین های مرسوم جبران خسارت است. پیش بینی چنین مسئولیتی به زیان دیده امکان می دهد که برای وصول یک دین به چند مدیون رجوع کند و کمتر با اعسار مسئولان روبرو شود. بی گمان زیان دیده نمی تواند بیش از میزان خسارت چیزی به دست آورد. مدیون واقعی که سرانجام خسارت بر او تحمیل می شود یکی از مسئولان است و ذمه دیگران به منزله تضمین هایی هست که قانون گذار برای تأمین خسارت اندیشیده است^۱. قانون مدنی نیز در این باره در ذیل ماده ۳۱۷ مقرر می دارد: «مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین مثل یا قیمت تمام یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد مطالبه کند. مسئولیت تضامنی عاملان زیان یکی از سازوکارهای مناسب برای حمایت از محیط زیست است چرا که باعث می شود در حد امکان خسارات زیست محیطی جبران نشده باقی نماند.

۲- بیمه اجباری مسئولیت

ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی مقرر می دارد: «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است. یا مثلاً می توان اعطای مجوز شهرداری برای ساخت و ساز را که یکی از ملزومات آن بیمه کردن کارگران ساختمانی است را از این نمونه نام برد. در صورتی که شرط اعطای مجوز فعالیت برای هر شخص حقوق عمومی یا خصوصی که نوعاً کمترین احتمال خسارات زیست محیطی هم در آن وجود دارد به بیمه اجباری مسئولیت باشد در آن صورت به صرف اثبات ورود ضرر و احراز رابطه سببیت برای جبران آن توسط بیمه گر کافی خواهد بود امری که باعث می شود سازمانهای متولی (سازمان حفاظت از محیط زیست و اشخاص اعم از اشخاص ذینفع مستقیم یا اشخاصی که حیطه فعالیت شان حمایت از محیط زیست است) از پیچ و خم اثبات تقصیر فارغ شوند و خسارات زیست محیطی جبران نشده، باقی نماند.

۳- صندوق تأمین خسارت بدنی

در ایران صندوق تأمین خسارت بدنی، پس از بیمه اجباری شخص ثالث، مهم ترین طرح تکمیلی مسئولیت مدنی در حوادث رانندگی به شمار میرود. هرچند نمی توان صندوق مذکور را مجزا از بدنه بیمه شخص ثالث تصور نمود، ولی همان گونه که از ماده ۱۰ قانون جدید بیمه اجباری و آیین نامه اداره صندوق برمی آید، صندوق دارای شخصیت حقوقی مستقل است. با عنایت به اقسام اشخاص



حقوقی و شاکله صندوق تامین می توان گفت صندوق دارای شخصیت حقوقی حقوق عمومی است که نیازی به ثبت نداشته و به محض ایجاد شخصیت حقوقی پیدا می کند.^۱

مهم ترین هدف از ایجاد صندوق تامین جبران خسارت بدنی آن دسته از زیاندیدگانی است که بر اثر حوادث ناشی از رانندگی دچار خسارت شده و از طریق سیستم بیمه ای امکان دریافت غرامت ندارند. افزون بر این، حمایت مالی از رانندگان و دارندگان خودرو مسؤول حادثه و خانواده های آنها که اغلب از اقشار کم درآمد جامعه هستند و جلوگیری از زندانی شدن سرپرست خانواده به جهت عدم توانایی در پرداخت دیه زیان دیده، تسریع در دادرسی و کمک رسانی سریع به زیان دیدگان اورژانسی از مهمترین اهداف صندوق مزبور به شمار می آید..

بند اول: اصل لزوم جبران خسارت و جبران کامل خسارت

یکی از مهمترین اهداف مسؤولیت مدنی، جبران خسارت زیان دیده است که در صورت وقوع حادثه و ورود خسارت، به زیان دیده حق میدهد که درخواست غرامت نماید. در مقابل این حق، تکلیف مسبب زیان به جبران خسارت مطرح است. این حق و تکلیف در قالب لزوم جبران خسارت در مسؤولیت مدنی مطرح میشود. به بیان دیگر، وقتی رفتار یک فرد موجب صدمه دیگری میشود، بهترین گزینه در تحمل خسارت، خود عامل زیان است. عدالت افقی در جامعه ایجاب می کند که به افراد دارای وضعیت یکسان، خسارات و مزایای یکسانی پرداخت شود و میان زیاندیدگانی که به جهت امکان اثبات تقصیر و رابطه سببیت می توانند غرامت دریافت نمایند، و گروهی که به هر علت امکان دریافت آن را ندارد و خسارتشان بالاجبران می ماند، هیچ تفاوتی نباشد.^۲

امروزه، علیرغم گسترش نظامهای مبتنی بر مسؤولیت محض، چون در اکثر نظامهای حقوقی، همچنان معیار تقصیر، مبنای اصلی مسؤولیت مدنی تلقی میشود و امکان کنار گذاشتن آن نیز به لحاظ منطقی میسر نیست، در بسیاری از موارد، جبران خسارت با مشکل روبرو است. اجرای عدالت و احساس عمومی در این موارد نیز اقتضا میکند تا به نحوی خسارت این گونه زیاندیدگان جبران گردد. به همین جهت ضرورت تشکیل طرحهای تکمیلی مسؤولیت مدنی در کنار ساختار کهن آن به خصوص در موارد خاص از جمله حوادث کار، حوادث رانندگی و موارد دیگر که در دنیای صنعتی امروز نظامهای حقوقی را به خود مشغول کرده است، احساس می شود.

البته گاهی جبران خسارت زیان دیده انجام می گیرد، ولی جبران خسارت مزبور هیچ تناسبی با خسارت وارده ندارد. اینجاست که ضرورت برقراری اصل جبران کامل خسارت مطرح می شود. اصل جبران کامل خسارت که یکی از اصول بنیادین مسؤولیت مدنی به شمار میرود به معنای بازگشت وضعیت زیان دیده به قبل از وقوع زیان از هر جهت میباشد. هر چند اعاده وضعیت سابق زیان دیده به صورت کامل و قطعی، امکان پذیر نیست (مثلا در صورت از کار افتادگی زیان دیده، ارزیابی میزان درآمدی که وی می توانست در آینده داشته باشد و از آن محروم شده، ناممکن است)^۳. با این حال اجرای اصل فوق تا حد امکان برای بازگرداندن تعادل از بین رفته در جامعه ضروری است. به نظر برخی صاحب نظران، تنها طریق اعمال اصل جبران کامل خسارت این است که قاضی در هر مورد، میزان خسارت وارد شده به زیان دیده را مشخص و حکم به جبران آن نماید. بنابراین تعیین سقف جبران خسارت توسط قانون گذار با اصل مذکور منافات دارد.

۱ صفایی، ۱۳۷۸، ۱۳۱

۲ بادینی، ۱۳۸۴، ۵۷۷

۳ پروین، ۱۳۸۰، ۱۷۵



نهادهای تکمیلی مسؤولیت مدنی با کنار گذاشتن محدودیتهای نظام سنتی مسؤولیت مدنی در جبران خسارت، با پوششهای گسترده خود، چه از جهت افراد تحت الشمول و چه به لحاظ میزان جبران خسارت گامهای بلندی را در راستای برقراری اصل لزوم جبران خسارت و اصل جبران کامل خسارت زیاندیدگان برداشتهاند. از این رو، برخی معتقدند که مسؤولیت صندوق بر پایه اصل جبران کامل خسارت استوار است. بدین معنی که ایجاد صندوق به جهت تکمیل جبران خسارت زیان دیده بوده و هیچ گاه جایگزین مطلق مسؤول زیان یا بیمه گر نخواهد شد. اما به نظر می رسد با عنایت به تعیین سقف جبران خسارت توسط صندوق، اصل مذکور را نمی توان از مبانی ایجاد صندوق ذکر کرد.

بند دوم: برقراری عدالت توزیعی

در جامعه، همانگونه که گذشت، نظریه مسؤولیت مبتنی بر تقصیر، به جهت محدودیتهای بسیاری که در جبران خسارت زیاندیدگان در آن مطرح است، نمیتواند مبنای ایجاد طرح های تکمیلی مسؤولیت مدنی باشد. در مورد نظریات مبتنی بر مسؤولیت محض، هر چند در نظریه خطر و تضمین حق، عنصر تقصیر کمرنگ شده است ولی لزوم احراز رابطه سببیت در این موارد همچنان پابرجاست و امکان مطالبه غرامت از سوی زیاندیدگان با اثبات عدم تقصیر آنها در ورود زیان میسر می باشد، اما چنانچه مسبب حادثه شناسایی نشود یا اینکه از پرداخت غرامت ناتوان باشد، غرامت زیان دیده بدون جبران باقی میماند. اگر قبول کنیم که نظام سنتی مسؤولیت مدنی با طرح نظریه خطر و نظریه تضمین حق یا مسؤولیت محض در کنار تئوری تقصیر توانسته است معیار درستی را در تشخیص علل زیان ارائه دهد؛ باید پذیرفت که این مبانی که خود بر پایه عدالت اصلاحی مطرح شده اند، توانایی پاسخگویی به نیازها و مطالبات تمامی زیاندیدگان را نداشته اند. بنابراین، حقوقدانان به جای توسل به این گونه نظریات با طرح نظریه عدالت توزیعی، مبنایی را برای جبران خسارت وارد بر همه زیان دیدگان معرفی کردهاند.

عدالت توزیعی در جامعه به این معناست که ضررها، صرف نظر از منشاء آن باید در بین اعضاء جامعه توزیع شود؛ زیرا هدف از آن، تنها افزایش رفاه زیاندیدگان و آسیب دیدگان و جامعه به طور کلی است نه چیز دیگر. طرفداران عدالت توزیعی بر این باورند که لزوم وجود رابطه سببیت به عنوان یکی از ارکان مسؤولیت مدنی موجب شده تا مسؤولیت مدنی با اهداف عدالت توزیعی منافات داشته باشد. چون آنچه اهمیت دارد رسیدن به عدالت است و حتی در صورتی که علت تامه زیان، حوادث قهری باشد با توجه به منطبق عدالت توزیعی، خسارت وارد به زیان دیده باید جبران گردد. به همین جهت، برای جبران خسارت زیاندیدگانی که امکان اثبات تقصیر یا رابطه سببیت نداشته و یا جبران خسارت آنها از سوی مقصر حادثه ممکن نیست؛ لازم است از مبانی سنتی مسؤولیت مدنی فاصله گرفته و طرحهایی خاص برای جبران خسارت این گونه زیاندیدگان بدون در نظر گرفتن تقصیر یا رابطه سببیت و به طور کلی منشاء ضرر تأسیس کرد و از همه زیاندیدگان، جبران خسارت به عمل آورد. به نظر این حقوقدانان، عدالت توزیعی که بر مبنای همبستگی اجتماعی است، باید جانشین عدالت اصلاحی که مبتنی بر مسؤولیت فردی است، شود و تمامی منابع و منافع در جامعه به طور عادلانه میان افراد اجتماع توزیع گردد و هر زمان این تعادل به هر علت برهم خورد، عدالت توزیعی ایجاب میکند تا بدون ملاحظه علت عدم تعادل مذکور، با جبران خسارت زیان دیده تعادل را به جامعه باز گرداند.^۱



به نظر میرسد که نظریه مبتنی بر عدالت توزیعی تا حدود زیادی می تواند مبنای تشکیل صندوق تامین قرار گیرد؛ زیرا قانون گذار با درک ضرورت جبران خسارات زیاندیدگان حوادث رانندگی که امکان جبران خسارت از طریق بیمه را ندارند، اقدام به تأسیس چنین نهادی نموده است تا تعادل بر هم خورده ناشی از بروز خسارت به جامعه بازگردد. منابع مالی صندوق مزبور نیز بر این ایده صحت میگذارد؛ زیرا قانونگذار با اختصاص درصدی از جرایم ناشی از بیمه نکردن خودرو، درصدی از حق بیمه های دریافتی توسط بیمه گران و درصدی از جرایم وصولی دولت به عنوان منابع مالی صندوق خواسته است تا تمامی آحاد جامعه به خصوص افراد خاطی، در جبران خسارات این گونه زیاندیدگان که آمار آنها به علت ازدیاد روز افزون خودرو رو به افزایش است سهیم شده و عدالت میان این دسته از جامعه برقرار شود. شایان ذکر است که صندوق تامین در همه موارد از نظریه فوق تبعیت نمی کند، از جمله خارج بودن خسارات ناشی از قوه قاهره از شمول تعهدات صندوق، که در مبحث بعد خواهد آمد، از آن جمله است.

بند سوم: رعایت قاعده انصاف:

قاعده انصاف، در اصل قاعده های در تعدیل اصل جبران کامل خسارت محسوب می شود. بندهای ۱ و ۲ ماده ۴ قانون مسؤولیت مدنی مبتنی بر قاعده انصاف است؛ به موجب ماده مذکور دادگاه میتواند میزان خسارت را در مواردی تخفیف دهد (۱) هرگاه پس از وقوع خسارت، وارد کننده زیان به نحو مؤثری به زیان دیده کمک و مساعدت کرده باشد. (۲) هرگاه وقوع خسارت ناشی از غفلتی بوده که عرفاً قابل اغماض باشد و جبران آن نیز موجب عسرت و تنگدستی وارد کننده زیان شود.

اعمال قاعده انصاف موجب میشود تا از فشار مالی وارد بر عامل زیان و خانواده او به سبب جبران خسارت زیان دیده، کاسته شود. قاعده مزبور هر چند به جهت کاستن از مبلغ غرامت برای مسبب حادثه امری مثبت است ولی، اثر منفی آن در جبران خسارت زیان دیده ظاهر می شود.

نتیجه گیری

امروزه افتراقی شدن در حوزه دادرسی کیفری نه تنها امری مفید بلکه لازم و ضروری به نظر می رسد. یکی از حوزه هایی که لزوم افتراقی شدن به رسیدگی ها بیش از گذشته احساس می شود، جرائم سبز است. جرائم زیست محیطی که به دنبال صنعتی شدن جوامع، شکلی مدرن به خود گرفتند، امکان تحقق آن ها در قلب یک جرم تروریستی نیز تحقق پیدا کرد، از این رو برخی از کشورها همچون فرانسه در نظام تقنینی خود جرمی به نام تروریسم زیست محیطی را پیش بینی نموده است و در قانون آیین دادرسی کیفری نیز به مناسبت افتراقی سازی در حوزه رسیدگی به این دسته از جرائم ذیل جرائم تروریستی، مبادرت ورزیده است و به این طریق آیین دادرسی آن از آیین دادرسی جرم زیست محیطی متفاوت شده است؛ چرا که آیین دادرسی کیفری حاکم بر جرائم زیست محیطی، تخصصی است و به موازات دادرسی عمومی، به مناسبت قاضی، ضابطین، دادرها و دادگاه های تخصصی شکل می گیرند اما در تروریسم زیست محیطی، آیین دادرسی کیفری اختصاصی حاکم است و در این دسته اخیر، شاهد سخت گیری ها در رسیدگی هستیم. جهت افتراقی شدن و تخصصی شدن رسیدگی به جرائم سبز، بایستی دارای مبنای مستحکمی باشیم، چراکه پیش بینی ضوابط خاصی برای رسیدگی هایی که در ابتدای امر باید از عمومات دادرسی تبعیت کنند، مبنا می خواهد.



در واقع، افتراقی سازی در حوزه جرائم سبز که به دنبال فنی و تخصصی شدن جرائم زیست محیطی و تروریسم زیست محیطی پدید آمد، از مبانی مستحکمی تبعیت می کند. از لحاظ فقهی، قاعده لاضرر قاعده رجوع به خبره که قواعد عامی هستند، بنیانی مستحکم جهت استنباط لزوم افتراقی سازی محسوب می شوند. تردیدی در این خصوص وجود ندارد که احکام وجودی، مشمول قاعده لاضرر می باشند؛ اما در خصوص امور عدمی، نمی توان بر این باور بود که دایره قاعده لاضرر، محدود به رفع احکام و افعال خاصی باشد و نسبت به مواردی که خلأ قانونی موجب ورود زیان و خسارت می شود، نقشی ایفا نماید.

در واقع، امروزه یکی از ضررهای عرفی شناخته شده در جهان، عدم برخورداری از مقررات ویژه دادرسی افتراقی است، بدین معنا که در حال حاضر، کشورها در جهت حمایت از بزه دیده و جلوگیری از ضررهای گسترده به جامعه و اطلاع دادرسی، ضوابط و مقررات خاص و ضابطین و قضات فنی و آموزش دیده ای را پیش بینی می نمایند. از قاعده رجوع به خبره نیز تخصصی شدن دادرسیها و دادگاهها قابل استنباط است، چراکه در جرائم سبز که از پیچیدگی های خاصی برخوردارند قضات و ضابطین تخصصی، اهل خبره و متخصص محسوب می شوند. در خصوص مبانی حقوقی نیز که بنیان های افتراقی شدن رسیدگی ها در این دسته از جرائم هستند می توان به جهانی شدن و لزوم دادرسی عادلانه اشاره نمود. جهانی شدن به ما می آموزد که از سایر نظام های حقوقی که افتراقی سازی در حوزه این دسته از جرائم را تحقق بخشیده اند، الگو برداریم و آن را در نظام حقوقی خویش بومی سازی کنیم. برخورداری از دادرسی عادلانه نیز که از مؤلفه های خاص و متعددی تبعیت می کند، افتراقی شدن رسیدگی به جرائم سبز را عادلانه تر از زمانی می داند که نظام دادرسی یکپارچه بود، چراکه قاضی متخصص و جلوگیری از اطلاع دادرسی با افتراقی شدن رسیدگی بها امکان پذیر است.

خصیصه های بزهکاران جرائم سبز و حمایت از بزه دیدگان سبز نیز از بنیان های جرم شناسانه افتراقی سازی رسیدگی ها در این حوزه است. بزه دیده سبز که همان طبیعت و سپس انسان ها هستند، اقتضای آن را دارند که اجازه ندهند مجرمانی که دست به اقدام تروریستی علیه محیط زیست می زنند و یا نوعی سازمان یافتگی در درون آن ها مشاهده می شود، به راحتی از چنگال قانون فرار کنند. افتراقی سازی با پیش بینی ضابطین تخصصی و متعدد و دادرسیها و دادگاه های تخصصی در خصوص جرائم زیست محیطی و دادرسیها و دادگاه های اختصاصی برای تروریسم زیست محیطی، این مهم را امری دست یافتنی می نماید. در حال در نظام حقوقی ما، جلوه های از افتراقی سازی در خصوص رسیدگی به جرائم سبز در قالب دادرسی تخصصی جرائم زیست محیطی مشاهده می شود اما از جهت اینکه هنوز هم تروریسم زیست محیطی در نظام حقوقی ما به صورت مستقل جرم انگاری نشده تا دادرسی آن نیز اختصاصی شود و مقررات ویژه ای را به خود بگیرد، در نظام تقنینی ما، ضعف جدی مشاهده می شود.

با عنایت به مطالب فوق الذکر و سایر مباحث موجود در پژوهش حاضر، نکات زیر در راستای افتراقی سازی همه جانبه سیاست کیفری جمهوری اسلامی ایران در قبال جرائم زیست محیطی، پیشنهاد می گردد:

۱. مجلس شورای اسلامی با بهره گیری از مشاوره با قضات رسیدگی کننده به جرائم زیست محیطی و اساتید این حوزه، با تصویب قانون جرائم زیست محیطی، اقدام به ارائه ضابطه تعریف جرم زیست محیطی و بیان سایر مقررات افتراقی در این حوزه نماید. توجهها به الحاق جمهوری اسلامی ایران به اسناد بین المللی با موضوع مبارزه با جرائم زیست محیطی، هم راستایی در زمینه جرم انگاری با این اسناد باید در دستور کار قرار بگیرد.



۲. علی رغم وجود اماراتی از اراده قانون گذار مبنی بر اتخاذ رویکرد سخت گیرانه یا امنیت مدار در قبال جرائم زیست محیطی، لازم است به منظور اعاده حیثیت از نظام جمهوری اسلامی ایران و برگرداندن اعتماد عمومی سلب شده از آن که نتیجه توأمان ارتکاب جرائم زیست محیطی و عدم مبارزه همه جانبه کیفری و غیر کیفری با آن می باشد، جلوه های این رویکرد اتخاذی در بعد ماهوی و شکلی برجسته تر گردد.
۳. بها دادن بیشتر به مجازات های مالی و متناظر کردن مبالغ مجازات های مالی با مجموع مبالغ موضوع جرم زیست محیطی و خسارات ناشی از آن، از سویی منجر به سلب توان بزهکاری مجرمان زیست محیطی شده و از سوی دیگر تناسب و جنبه بازدارندگی بیشتری نسبت به سایر مجازات ها دارد که نتیجه هر دو مورد، کاهش نرخ ارتکاب جرائم زیست محیطی می باشد.
۴. مراجع قضایی رسیدگی کننده به جرائم زیست محیطی متعدد موجود، یکپارچه گردیده و صلاحیت رسیدگی به مصادیق مختلف جرایم زیست محیطی دقیق تر تعیین گردد.
۵. برای اینکه مشارکت سازمانهای غیر دولتی در کشور ما نهادینه شود، باید مقررات و قواعد خاصی برای اداره و نحوه حضور آنها در فرآیند کیفری و جرائم زیست محیطی اختصاص داد. یکی از مهم ترین موضوعات در زمینه سازمانهای غیر دولتی، احراز صلاحیت و ویژگی های آنها است که باید به تأیید مراجع ذیربط برسد. به نظر می رسد در صورت تصویب قانون آیین دادرسی کیفری باید میان قوه قضائیه و سازمان حفاظت از محیط زیست ارتباط تنگاتنگ و وثیقی برقرار شود تا جنبه های عملی و واقعیت های مربوط به سازمان های غیر دولتی در ایران و نحوه احراز صلاحیت آنها مشخص شود. هرچند در قانون آیین دادرسی کیفری سال ۱۳۹۲ میزان دخالت و مشارکت سازمان های غیر دولتی لحاظ شده بود، اما با اصلاحات سال ۱۳۹۴، از میزان این مشارکت کاسته شد و به انفعال گرایید.
۶. سازمانهای غیر دولتی در مرحله پیشگیری از جرائم زیست محیطی از طرق مختلف نظیر ایجاد کارگروه و تشکیل جلسات آشنایی و شناخت محیط زیست و نحوه حفاظت از آن، به حساس سازی افکار عمومی نسبت به اتفاقات راجع به محیط زیست و عنداللزوم اطلاع رسانی از طریق رسانه ها و پیگیری از طریق مراجع قضایی، اقدامات شایانی را ایفا کنند.



منابع

- بهرام سلطانی، کامبیز، مقدمه‌ای بر شناخت محیط زیست، تهران، نشر سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۸۵.
- بهکیش، محمدمهدی، «اقتصاد چیست؟»، تهران، چاپ دوم، انتشارات نی، ۱۳۸۱.
- بی‌نام، محیط زیست و نقش عوامل مختلف، مجله صنعت حمل و نقل، شماره ۱۰۰، تابستان ۱۳۸۰.
- پاشائی، علی، احمد بیرشک، محمود بهزاد، «فرهنگ اندیشه نو»، چاپ اول، تهران، انتشارات مازیار، ۱۳۶۹.
- پرمن، راجرز، یوما، مک‌گیل، ری، جیمز، «اقتصاد محیط زیست و منابع طبیعی»، ترجمه: محمدرضا ارباب، چاپ اول، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.
- پنهانی، داوود، «کمک به تقویت اطلاع رسانی در حوزه محیط زیست»، مجله محیط زیست شماره ۲۴، ۱۳۸۹.
- پورخسوری، سیده‌زهر، «راه کارهای توسعه بهینه زیست محیطی در گردشگری ساحلی»، انتشارات سازمان محیط زیست، ۱۳۸۰.
- پوریافرانی، حسن و همتی، مرضیه (۱۳۹۵)، نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست محیطی، مجلس و راهبرد سال بیست و سوم پاییز، شماره ۸۷.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، «حقوق محیط زیست در ایران»، چاپ دوم، تهران، انتشارات قومس، ۱۳۸۷.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، «حقوق کیفری محیط زیست»، چاپ اول، تهران، نشر قومس، ۱۳۷۶.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق کیفری محیط زیست، چاپ اول، تهران، نشر قومس، ۱۳۸۶.
- تقی زاده انصاری، مصطفی، حقوق محیط زیست در ایران، تهران، انتشارات سمت ۱۳۸۶.
- جان، کاتینگهام، «فلسفه مجازات»، مترجمان: ابراهیم باطنی و محمد برهانی، فصلنامه فقه و حقوق، سال اول، شماره ۴، بهار ۱۳۸۴.
- جلالی‌ورنامخواستی، مصطفی، «ارزیابی خطر جرم در نظام عدالت کیفری»، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۶.
- جلیوند، حمید، «نقش مثبت و منفی تفرج و سایر عوامل انسانی بر محیط زیست و پایداری زیستی پوشش گیاهی جنگل»، در مجموعه مقاله‌های اولین همایش سراسری نقش صنعت گردشگری در توسعه مازندران، تهران، نشر رسانش، ۱۳۸۴.
- جمالزاده فلاح، «اکوتوریسم راهکار اکولوژیک»، نشریه اطلاعات شماره ۱۰، ۱۳۸۲.
- جهانگرد محمدی (۱۳۹۳) - جرم شناسی زیست محیطی، انتشارات پلک.
- چبانوگلاس، روج، مهندسی محیط زیست - تصفیه آب و فاضلاب، جلد اول، ترجمه محمد علی کی نژاد، تبریز، نشر دانشگاه صنعتی سهند، ۱۳۸۶.
- حدادی، محسن، «اخبارادیان»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۸۳، فروردین ۱۳۸۴.
- حسن پوریافرانی و مرضیه همتی (۱۳۹۵) - نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست محیطی، فصلنامه علمی - پژوهشی مجلس و راهبرد، شماره ۸۷.
- حمیدرضا کارگر (۱۳۹۳) - جرایم علیه محیط زیست، جرایم علیه میراث بشریت، دومین همایش ملی و تخصصی پژوهش‌های محیط زیست ایران.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- خانعلی پور و اجارگاه، سکینه، «پیشگیری فنی از جرم»، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۰.
- ساناز ملاحعفری (۱۳۹۳)- پیشگیری از جرایم زیست محیطی با تاکید بر جرایم آلوده کننده هوا، دانشگاه شهید باهنر کرمان، استاد راهنما: بهزاد رضوی فرد | استاد مشاور: محمود روح الامینی.
- سعیدی فرد، مرتضی، برنا، الهام، «بررسی کودهای شیمیایی از دیدگاه زیست محیطی»، مجله جهاد، سال ۲۴، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹.
- سیگل، لاری جی، «جرم‌شناسی»، ترجمه: یاشار سیف الهی، تهران، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس آگاهی ناجا، زمستان ۱۳۸۵.
- شایگان، جلال‌الدین، «راهکارهای توسعه فرهنگ محیط زیست»، جلد اول، چاپ دوم، انتشارات تهران، ۱۳۸۷.
- شریعت پناهی، محمد، «مبانی بهداشت و محیط»، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
- شریف‌زادگان، محمد، «ارزیابی فرایند آمایش سرزمین در ایران و راهکارهای بهبود آن»، فصلنامه علمی پژوهش علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۸، ۱۳۸۹.
- صالحی، حسین، «تأملی در بند ۲۰ ماده ۵۵ قانون شهرداری»، مجله شهرداری‌ها، سال اول، شماره ۱۲، ۱۳۸۰.
- عبدلی، محمد علی، «مدیریت مواد زائد جامد شهری، دفع و بازیافت مواد زائد جامد شهری در جهان»، جلد اول، وزارت کشور، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور، ۱۳۷۹.
- علوی نسب، مه‌ری سادات، «راهنمای مقابله با آلودگی‌های نفتی»، مجله، سازمان حفاظت محیط زیست، شماره ۴۳، ۱۳۸۲.
- علوی نسب، مه‌ری سادات، «راهنمای مقابله با آلودگی‌های نفتی»، چاپ اول، تهران، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، ۱۳۸۲.
- فریادی، مسعود، «کاستی‌های نظام حقوقی ایران در حفاظت از هوا»، فصلنامه اطلاع رسانی حقوقی، شماره ۳۲ و ۳۳، ۱۳۸۹.
- فونت، خاور، «جستجو برای تعادل در توسعه صنعت گردشگری استراتژی»، مجله بین‌المللی مدیریت مهمان نوازی معاصر، جلد ۱۱، شماره ۳/۲، ۱۳۷۸.
- قاسمی ناصر، «حقوق کیفری محیط زیست» چاپ دوم، انتشارات جمال الحق، ۱۳۸۴.
- قاسمی، علی، «بررسی اثرات تصفیه بیولوژیکی در محیط پسماند ها و فاضلاب‌های شهری تأکید بر محیط زیست کیس، الکساندر، «حقوق محیط زیست»، ترجمه: محمدحسن حبیبی، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹.
- کاتوزیان، ناصر، «مسئولیت ناشی از خسارت زیست محیطی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم انسانی، دوره ۲۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.
- کرباسی زاده، علی، «نقش آموزش در حل بحران‌های زیست محیطی»، پژوهش‌های علم و دین، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
- کردوانی، پرویز، اکوسیستم طبیعی - عمومی، تهران، نشر قومس ۱۳۸۹.
- کوشکی، غلامحسین، «چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرایم زیست محیطی»، مجله محیط زیست و توسعه، سال ۳، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۱.



کیان پور، سامان، «بین‌الملل و محیط زیست» فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۷.

لواسانی، احمد، کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو، چاپ اول، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.

- Bonnemaison, zla(1985), comple? mentarite? PreVention -re? pression, Rev /po l,nat, nov.
- Collantes, Por Jore Luis. (2001).The Convention on the Protection of the Environment through Criminal Law: legislative obligations for States available at: < [http:// dialnet. Unirioja.es/servlet/ articulo](http://dialnet. Unirioja.es/servlet/ articulo)
- Cusson, Maurice e t all (1994). valuation de projets en pre?vention du crim e ,universite? de montre?al,e?cole de criminology.
- M. Watson (2004). Organizations and environmental crime: Legal and Emery, A. and Auditing Journal. 19. economic perspectives. managerial
- (2003). Law and Economics of Environmental Crime: aSurvey, Visser- Faure, G., M. and M.